

واکاوی کیفی چالش‌های ایفای هم‌زمان

نقش‌های دانشجویی و خانوادگی*

اسماعیل بلالی* سیده فاطمه محبی** شیما سادات حسینی***

چکیده

جامعه‌ی ایران در دهه‌های اخیر شاهد مشارکت گسترده‌ی زنان در آموزش عالی است. این شرایط جدید ایفای نقش‌های متعددی را به آنها تحمیل کرده و به همان نسبت که منشأ بهبود کیفیت زندگی آنها شده است، آنها را با چالش‌های جدیدی برای هماهنگی وظایف خانه و خانواده با تکالیف تحصیلی مواجه کرده است. از این رو ضرورت دارد ابعاد مقوله‌ی تعارض نقش خانوادگی و تحصیلی زنان و علل پیدایی این تعارضات و نحوه‌ی مواجهه‌ی دانشجویان با این چالش‌ها در یک مطالعه‌ی کیفی بررسی شود. بدین منظور ۲۲ دانشجوی زن متأهل در مقاطع ارشد و دکتری بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند و مصاحبه‌های نیمه ساختاری، به صورت انفرادی و رودررو با آنها انجام شد. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که عملکرد نامناسب نظام آموزشی، فشار نقش مادری و فرزندپروری، فشار نقش همسری، ضعف حمایت خانواده و نقش منفی خانواده، جزء شرایط علی تعارض نقش تحصیلی با نقش خانوادگی دانشجویان متأهل است. کاهش حس کنترل بر زندگی، فرسودگی تحصیلی، تضعیف صمیمیت زناشویی و کاهش ظرفیت روانی، پیامدهای پدیده‌ی تعارض نقشی است. مصاحبه‌شوندگان دو استراتژی سازگاری مثبت و منفی را در مواجهه با این تعارض اتخاذ کرده‌اند. مقوله‌ی هسته‌ای استخراج شده از این مطالعه، غفلت نظام آموزش از نهاد خانواده است.

واژگان کلیدی

زنان، آموزش عالی، دانشجوی، نقش تحصیلی، نقش خانوادگی، تعارض نقش.

** این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی نحوه‌ی تعامل مسئولیت خانوادگی زنان متأهل دانشجوی با تحصیلات آنها» است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی - گروه مطالعات خانواده، جنسیت و زنان انجام شده است.

** - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان (balali_e@yahoo.com)

*** - دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز (مجری طرح و نویسنده مسئول) (mohebi_sf@yahoo.com)

**** - عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی - گروه مطالعات خانواده، جنسیت و زنان (sh.hoseyni96@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌ی ایران در دهه‌های اخیر، تحولات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی خطیری را تجربه کرده است. یکی از مهمترین این تحولات، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون و مشارکت هر چه بیشتر زنان در نظام آموزش عالی بوده است. نظام آموزش عالی در هر کشوری به عنوان یک نهاد و دانشگاه به عنوان یک سازمان اجتماعی وظیفه‌ی تأمین نیازهای جامعه از نظر سرمایه‌ی انسانی، حفاظت از دستاوردهای علمی و انتقال آن به نسل‌های آینده را بر عهده دارد. تحولات فرهنگی-اجتماعی اخیر در ایران، موضع‌گیری زنان را در موضوعات مختلف تحت تأثیر قرار داده و فعالیت‌ها و نقش‌های جدیدی را برای آنها ایجاد کرده است. صاحب‌نظران معتقدند که افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی یک واقعیت همه‌گیر در جهان امروز است و مختص ایران یا کشورهای مشابه نیست و شاید مؤلفه‌ای از فرآیند نوسازی و جهانی شدن و حتی توسعه باشد. بررسی تأثیرات آموزش عمومی و آموزش عالی در سطوح مختلف، نشان از بهبود جایگاه زنان در زندگی فردی و اجتماعی دارد.

افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی واقعیتی است که علل و ابعاد چندگانه داشته و پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چندگانه‌ی مثبت و منفی دارد. افزایش تحصیلات زنان، مزیت‌های زیادی برای آنها و خانواده‌شان به همراه دارد. با دستیابی زنان به مدارج تحصیلی بالاتر، استقلال و هویت اجتماعی ایشان نیز تقویت شده و مهارت‌های آنها در بسیاری از زمینه‌ها بهبود می‌یابد. دگرگونی‌های ایجاد شده به همان نسبت که منشأ بهبود کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی زنان شده است، آنها را با چالش‌ها و مشکلات جدیدی مواجه ساخته و مشکلاتی را برای هماهنگی وظایف خانه و خانواده با تحصیل بر فرد تحمیل کرده است. با توجه به اینکه زنان گروه مهمی از مخاطبان آموزش عالی را تشکیل می‌دهند و سهم بالایی از ظرفیت دانشگاه‌ها در رشته‌ها و مقاطع مختلف را به خود اختصاص داده‌اند، توجه به عوامل مختلفی که زندگی تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ضروری می‌نماید. یکی از این عوامل، تأهل زنان و وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی آنهاست. هم‌زمانی تأهل، تحصیل و گاه اشتغال پیامدهای مثبت و منفی را در نقش‌های تحصیلی، شغلی و خانوادگی آنها بر جای می‌گذارد؛ به طور نمونه خانواده‌های زنان تحصیل کرده و شاغل در مقابل زنان بدون تحصیلات و غیرشاغل ساخت دموکراتیک بالاتری دارند (مهدوی و هاشمی، ۱۳۸۹: ۸۰).

تحصیلات به عنوان یک منبع قدرت برای زنان نقش مهمی در تصمیم‌گیری، تقسیم کار و نگرش آنها دارد؛ البته دوره تحصیل در دانشگاه به واسطه‌ی حضور عوامل متعدد می‌تواند دورهای

فشارزا نیز باشد. یکی از شرایط افزایش استرس و فشار روانی برای زنان متأهل دانشجوی، هم‌زمانی وظایف مربوط به زندگی زناشویی و نقش‌های خانوادگی و تحصیلی است.

وجود نقش‌های متعددی که زنان باید به عنوان همسر و مادر بر عهده بگیرند، گاهی با نقش نوین زنان به عنوان دانشجوی ناهماهنگ است و آسیب‌هایی را از این ناحیه بر فرد، نهاد خانواده و نهاد آموزش وارد می‌کند. در واقع مسئله‌ی اساسی در تحصیلات عالی زنان متأهل، بروز و ظهور تعارض نقش تحصیلی و نقش خانوادگی آنهاست. کان و همکاران^۱ و کاتز و کان^۲ تعارض نقش را رخداد هم‌زمان دو یا چند مجموعه از فشار تعریف می‌کنند، به گونه‌ای که قبول یکی به دشواری در قبول دیگری منجر می‌شود (Bacharach, Bamberger & Conley, 1990: 201).

تعارض کار-خانواده تبعات مختلف کژکارکردی را در پی دارد که شامل کاهش سلامت شغلی و خانوادگی و نارضایتی شغلی و زندگی است (Netermeyer, Boles & McMurrrian, 1996, 407). در جوامع در حال گذار نظیر ایران، به دو دلیل به چنین تعارضی توجه می‌شود: نخست فشارهای ناشی از دشواری نقش‌های چندگانه که متوجه زنان است و دوم، اختلال و تضاد هنجاری موجود در تعریف نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی که از پدیده‌ی عام تأخر فرهنگی متأثر است و می‌تواند نسبت به جوامع مدرن که مرحله‌ی گذار را سپری کرده‌اند، آثار نامطلوب‌تری در پی داشته باشد (محمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲).

با عطف به این مباحث، سؤال اصلی این است که علل، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای تنش حاصل از ایفای هم‌زمان نقش‌های تحصیلی (دانشجویی) و خانوادگی و پیامدهای این تنش برای افراد مورد مطالعه کدام‌اند؟ و زنان از چه راهبردهایی برای فائق آمدن بر مشکلات مترتب بر ایفای این دو نقش استفاده می‌کنند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

مرور منابع داخلی موجود درباره‌ی موضوع پژوهش نشان می‌دهد، تحقیقاتی که در مورد تعارضات نقش دانشجویی با نقش خانوادگی زنان در داخل کشور انجام شده باشند، بسیار کم‌اند. مطالعات انجام شده در داخل کشور در دو دسته تحقیقات مرتبط با زنان و آموزش عالی و پژوهش‌های مرتبط با تعارض نقش ارائه شده است. هر چند در مورد تعارض نقش نیز عمده‌ی تحقیقات به تعارض نقش خانوادگی با نقش‌های اجتماعی (شغلی) معطوف شده است:

1- Kahn & et al

2- Katz and Kahn

طاهری و محمدزاده اصل نشان داده‌اند که آموزش تنها از شکل کالایی عمومی خارج شده و ماهیتی لوکس یافته است (طاهری و محمدزاده اصل، ۱۳۹۰)؛ در کار ظهیری‌نیا و بهروزیان انگیزه‌های اقتصادی برای پسران و پایگاه اقتصادی و اجتماعی، ازدواج و جاذبه‌ی محیط دانشگاه در بین دختران به نسبت پسران عوامل مهم‌تری برای ورود به دانشگاه است (ظهیری‌نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱). نتایج تحقیق قلی‌پور نشان می‌دهد که توانمندسازی از نظر زنان اثرات مثبتی روی نهادهای خانوادگی، اقتصادی و سیاسی دارد (قلی‌پور، ۱۳۹۰). فردوسی و آقاپور نیز به این نتیجه رسیده‌اند که آسیب‌های اجتماعی دختران دانشجو با آسیب‌های روانی آنها ارتباط دارد (فردوسی و آقاپور، ۱۳۹۱: ۴۵-۲۵).

یافته‌های ادیبی و دیگران نشان داد که کنترل شغلی، رابطه‌ی ابهام و گران‌باری نقش و تعارض نقش را با عملکرد وظیفه تعدیل نمی‌کند (ادیبی و دیگران، ۱۳۹۰)، سبک‌رو و دیگران هم ثابت کرده‌اند که حمایت‌های سازمانی، تعارضات پرستاران را تعدیل کرده و قصد ترک خدمت کارکنان را کاهش می‌دهد (سبک‌رو و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۱). مطالعه‌ی صیف و دیگران نیز مشخص کرده که حمایت پرستاران سبب کاهش تعارض و ابهام نقش و نیز کاهش تعارض کار - خانواده می‌شود (صیف و دیگران، ۱۳۹۳). خادم دزفولی و دیگران نشان داده‌اند که فشار روانی شغلی، رابطه میان صفات شخصیت و حمایت سرپرست را با تعارض کار - خانواده و خشنودی شغلی، میانجی‌گری می‌کند (خادم دزفولی و دیگران، ۱۳۹۱). نتایج تحلیل آماری نبوی و شهریاری نشان می‌دهد، حمایت اجتماعی در کار بر بیگانگی از کار مؤثر است (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۳: ۵۹-۴۵). نتایج بشلیده نشان داده که بار کاری از طریق تعارض کار - خانواده در فرسودگی تأثیر می‌گذارد (بشلیده، ۱۳۹۱)، یافته‌های بابائیان و دیگران نشانگر این است که استرس شغلی و تعارض کار - خانواده تأثیر مثبتی در افزایش سطح فرسودگی شغلی کارکنان پلیس ناجا داشته است (بابائیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۲-۲۵). اوجیان و الحانی مشخص کرده‌اند که میزان تضاد شغل با خانواده در پرستاران به مراتب بیشتر از تضاد خانواده با شغل بود (اوجیان و الحانی، ۱۳۹۲: ۳۵۳-۳۴۵). نتایج تحقیق مسعودی عراقی و استوار نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین ابعاد تعارض و ابهام شغلی با عملکرد شغلی کارکنان وجود دارد (مسعودی عراقی و استوار، ۱۳۹۳). گل‌پرور و دیگران نشان دادند که تعارض و گران‌باری نقش با تعهد سازمانی رابطه‌ی منفی و معنادار دارد (گل‌پرور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۳۵). مطالعه‌ی حسنقلی‌پور و دیگران هم حاکی است که بین حمایت کاری و خانوادگی، انعطاف‌پذیری کاری و منابع فردی با توازن کار - خانواده، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد (حسنقلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۴-۳۷).

در مطالعات خارجی از اصطلاح دانشجویان سنتی^۱ و دانشجویان غیرسنتی^۲ استفاده شده است. فورنیس و گراهام در مطالعه‌ی خود نشان دادند که سن ۲۲ تا ۳۰ سال برای زنان در مقطع تحصیلات تکمیلی همان سنی است که جامعه رفتار مرتبط با نقش سنتی (یعنی همسری و مادری فرزندان پیش دبستانی) را تشویق می‌کند (Conn, 1996: 12). طبق تعریف، دانشجویان غیرسنتی دانشجویانی هستند که بالای ۲۵ سال داشته، مسئولیت‌هایی بیرون از دانشگاه دارند و به طور کامل یا پاره وقت به تحصیل برمی‌گردند (Benshoff, 1991). از نظر کروس^۳، دانشجوی غیرسنتی بزرگ‌سالی است که در عین حفظ مسئولیت‌هایی نظیر اشتغال، خانواده و سایر مسئولیت‌های زندگی بزرگ‌سالی، تمام وقت یا پاره وقت به شرایط تحصیل برمی‌گردد (Benshoff & Lewis, 1992). دانشجویان غیرسنتی به دلیل تعهدات غیرتحصیلی زیادشان با ملاحظات خاصی نظیر سپردن بچه‌ها به دیگران مواجه‌اند که توانایی آنها برای تحصیلات تکمیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Benshoff: 1991). دانشجویان غیرسنتی زن در مقایسه با هم‌تایان مرد، امکان کمتری برای مشارکت اجتماعی و ارتباطات شبکه‌ای بعد از کلاس دارند (Feldman, 1973). محدودیت دیگر دانشجویان متأهل نسبت به دانشجویان ساکن، دسترسی کمتر آنها به منابع شبکه‌ای خوابگاهی است. مسئله‌ی دیگر در مورد دانشجویان غیرسنتی این واقعیت است که اغلب این دانشجویان خود والدین هستند (Benshoff, 1991). مسئله‌ی مراقبت از فرزندان مانعی لغزنده^۴ برای زنانی است که سعی دارند دوباره به حوزه‌ی تحصیل وارد شوند (Benshoff, 1992: 5). بنشوف^۵ در تحقیق خود نشان می‌دهد که زنان در نقششان به عنوان دانشجو به این دلایل احساس تقصیر می‌کنند: در دسترس نبودن برای فرزندان، کیفیت مراقبت از فرزندان و هزینه‌ی آن، سازگار نمودن مسئولیت‌های خانواده و دنیای کار (Ibid). گیلبرت^۶ در مطالعه‌اش به این نتیجه رسید که دانشجویان زن متأهل آسیب‌پذیری به خصوصی به استرس خانوادگی دارند (Conn, 1996: 15). تریسی ال. کان^۷ در مورد تأثیر تحصیلات دوره‌ی دکتری در زنان متخصص صاحب درجات عالی و اثرات ادراکی این شرایط در روابط بین فردی‌شان با دیگران مهم مطالعه‌ای انجام داده است. وی دریافت که نصف زنان بر این باورند که سطح تحصیل آنها تحت تأثیر موقعیت رابطه‌ای^۸

1- Traditional students

2- Non-traditional students

3- Cross

4 - Stumbling block

5- Benshoff

6- Gilbert

7- Tracy L. Conn

8- Relationship status

آنهاست. بیشتر زنان به این نکته اشاره کرده بودند که روابط لذت بخشی با دیگران مهم حامی^۱ دارند. علی‌رغم تصدیق وجود چالش‌ها توسط این زنان، بیشتر آنها تلفیق ازدواج و شغل را تکمیل کننده و پر ارزش در نظر می‌گرفتند (Conn, 1996).

آدلستاین^۲ و همکارانش (۱۹۸۳) ویژگی‌های جمعیت شناختی، نیازهای روان‌شناختی و نیازهای برنامه‌ای زنانی را بررسی کرده‌اند که برای تحصیل به دانشگاه مرلیند بازگشته بودند. بر اساس تحلیل عاملی، هشت انگیزه برای بازگشت به تحصیل به دست آمد: علاقه‌مندی به خدمات خاص، حضور فرزندان بزرگ‌تر در خانه و اثر آن در بازگشت به تحصیل زنان، اعتماد به نفس و برداشت از خود، بلوغ فرزندان و ترک خانه، تأثیر سخنان هم‌اتاقی‌ها و همکاران برای بازگشت به تحصیل، داشتن فرزندان جوان و تقاضاهای مرتبط با مراقبت از فرزندان، اتمام تحصیل و نیازهای آکادمیک (مثل دوره‌های بازآموزی مهارت، مهارت‌های مرتبط با انجام آزمون) (Adelstein, Sedlacek & Martinez, 1983: 32).

مالونه در مطالعه‌ای کیفی به راهبردهایی می‌پردازد که دانشجویان دوره‌ی دکتری در زندگی، کار و در حین تحصیل انجام می‌دهند تا از عهده‌ی نقش‌هایی چندگانه برآیند. استراتژی‌هایی که زنان برای مدیریت زمان انتخاب کرده بودند عبارت بودند از: اولویت‌بندی کارها، محول کردن برخی امور و بخش‌بندی آنها. احساس تقصیر، استرس، فرسودگی و انزوا در میان اغلب دانشجویان معمول بود (Malone, 1998). به نظر مالونه زنان دانشجو و شاغل چندین استراتژی را برای انطباق با تقاضاهای کار و خانواده به کار می‌گیرند. برخی از آنها این کار را با کمک گرفتن از بیرون و از بستگان یا دوستان یا اجیر کردن دیگران برای کار خانه انجام می‌دهند. سایر زنان از طریق بازتعریف آنچه که در خانه لازم است انجام دهند یا بازتعریف نقش‌هایشان، عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ نظیر ازدواج با مردانی که در کار خانه سهیم باشند یا تلاش برای تغییر درک شوهرشان از نقش همسر در خانه. برخی زنان نیز تلاش می‌کنند تا خود را در نقش مادران برتر^۳ نشان دهند و بدین طریق از تعارض با شوهرانشان بپرهیزند و نیز دیگرانی نیز هستند که از طریق نمایش دست‌تنها بودن در برخی وظایف، مردان را وادار کنند تا درگیری بیشتری در کارهای خانه داشته باشند (Ibid). سیلز و همکارانش هم به چهار عامل برای کاهش تعارض نقش‌های زنان در کسب درجات تحصیلات عالی اشاره می‌کنند: نداشتن کودک پیش‌دستانی، میزان کمک شریک زندگی به کار

1- Supportive significant others

2- Adelstein

3- Supermoms

سخت مراقبت از بچه‌ها و خانه‌داری، دسترسی به حمایت‌های خانوادگی گسترده و در نهایت استفاده از کارگران خانگی مزد بگیر (Conn, 1996: 16).

مطالعات داخلی در مورد ایفای هم‌زمان نقش‌های شغلی و خانوادگی زیادند، اما درباره‌ی تعارضات مرتبط با ایفای نقش تحصیلی و خانوادگی تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند تحقیقات بسیار کمی انجام شده است و از این حیث موضوع واجد نوآوری است. مطالعات خارجی بیشتر بر انگیزه‌های تحصیل هم‌زمان با اشتغال به امور خانواده و راهبردهای کاهش تعارضات متمرکز شده‌اند و از علل، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای و پیامدها کمتر سخن به میان آورده‌اند؛ لذا با توجه به اینکه این مطالعه حوزه‌هایی فراخ‌تر را بررسی می‌کند، نسبت به این مطالعات ارزش افزوده‌ی بیشتری دارد.

۳. چارچوب مفهومی

موضوع تعارض نقش‌های خانوادگی (همسری و مادری) با نقش تحصیلی از ۴۰ سال پیش آغاز شده و با افزایش تعداد زنان بزرگ‌سالی که در حال ورود به مقطع تحصیلات تکمیلی هستند، توسعه یافته است (Feldman, 1973). از آن زمان به بعد، چشم‌انداز تحصیلی تغییر کرده است، به گونه‌ای که در حال حاضر، مردان و زنان تقریباً به تعداد برابر در دانشگاه دیده می‌شوند. انتظارات مرتبط با ازدواج نیز تغییر یافته است. با این وصف، تحقیقات قبلی تنها بر تجربه دانشجویان زنان متمرکز شده‌اند و از تأهل آنها غفلت شده است و به چگونگی مواجهه‌ی دانشجویان متأهل با نقش‌های دوگانه‌ی دانشجویی و خانوادگی توجه چندانی نشده است (McQuillan, 2005, 2).

به لحاظ سنتی سال‌های تحصیل به عنوان زمان «خود پایش»^۱ و استقلال در نظر گرفته می‌شود، اما وقتی دانشجویان ازدواج می‌کنند، چه بر سر این ارزش‌های فرد می‌آید؟ افراد اغلب ازدواج را بر حسب مقیاس‌های فردی تعریف نمی‌کنند، بلکه آن را شراکتی در نظر می‌گیرند که در آن هر عضو، بخشی از خودمختاری خود را قربانی می‌کند. وقتی افراد سعی می‌کنند بر سر نقش دانشجویی و نقششان در ازدواج و خانواده مذاکره کنند، تعارضات چندی بروز می‌کند (Ibid: 1). درون ازدواج، این فشارها می‌توانند دربرگیرنده‌ی نزاع‌های بین زوجین، احساس فرسودگی و رنجش از تقسیم نابرابر کار در خانه باشند، اگر چه محدود به اینها هم نیستند (Ibid: 2).

درباره‌ی تعارض دو قلمرو کار و خانواده دو فرضیه مطرح شده است؛ فرضیه‌ی انعطاف‌پذیری قلمرو^۲ بر این نظر است که قلمرو کاری نسبت به قلمرو خانوادگی منبع بزرگ‌تری از تعارض، هم

1- Self-discovery

2- The domain flexibility hypothesis

برای مردان و هم برای زنان است، اما فرضیه‌ی برجستگی قلمرو^۱ مطرح می‌کند که قلمرو خانوادگی منبع بزرگ‌تری است از تعارض برای زنان و قلمرو کاری منبع بزرگ‌تری است از تعارض برای مردان (Olorunfemi, 2009).

حضور هم‌زمان در دو قلمرو باعث تعدد و انباشتگی نقش می‌شود. بر اساس تعریف، از آنجا که زمان و انرژی منابع ثابتی هستند، افرادی که در چندین نقش مشارکت می‌کنند، افتی اساسی در منابع را تجربه می‌کنند که باعث کاهش کارایی آنها در سایر نقش‌های زندگی‌شان می‌شود (Greenhouse & Foley, 2005: 132). بنابراین تعدد نقش‌ها یا انباشته شدن نقش‌ها، باعث مضاعف شدن اضافه بار نقش و تعارض نقش‌ها می‌شود و احتمال تلف شدن زمان و مواجهه با انتظارات متعارض دیگران را افزایش می‌دهد (رستگار خالده، ۱۳۸۵ (الف): ۳۸).

طبق تعریف، انباشتگی نقش زمانی وجود دارد که همه‌ی تقاضاها در خصوص زمان و انرژی مرتبط با فعالیت‌های تجویز شده چنان زیادند که ایفای مناسب نقش امکان‌پذیر نیست (Tatman, 2001: 12). انباشت نقش همچنین به عنوان ادراکی توصیف می‌شود که در آن زمان و یا منابع کافی برای تکمیل فعالیت‌های بی‌شماری که فرد باید تکمیل کند، وجود ندارد (Ibid: 14).

جامعه‌شناس معاصر، استیفن مارکز^۲ معتقد است افراد می‌توانند چندین نقش را برعهده بگیرند، مشروط به آنکه نظام متوازی از تعهدات نقش را داشته باشند. در برداشت مارکز انرژی و زمان لازم برای ایفای توقعات نقش‌های چندگانه به طور اجتماعی بنا می‌شود. بدین معنا که برای هر نقشی که فرد نسبت به آن تعهد بالایی داشته باشد و احساس کند که باید آن را جدی‌تری انجام دهد، انرژی بیشتری خواهد داشت. بنابراین اهمیت ذهنی نقش‌ها یا هویت‌ها، میزان انرژی و زمان را تعیین می‌کند و نه برعکس. تعهد ذهنی و روانی نسبت به یک نقش یا هویت تابعی از میزان لذت ناشی از ایفای نقش، وفاداری نسبت به شریک نقش، سبقت یا پیش‌افتادگی پاداش‌ها از ایفای نقش و ممانعت از مجازات به واسطه‌ی ایفای یک نقش است. در نزد مارکز، زمان نیز همچون انرژی، پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی و تابع تعهدات و درگیرهای فرد به روابط اجتماعی است (Marks, 1977: 930).

چالش‌های هم‌زمان نقش‌های تحصیلی و خانوادگی باعث تقسیم نامتعادل انرژی و زمان می‌شود. زمانی که این انرژی و زمان به شکلی متعادل و متوازن توزیع شود، انباشت نقش و متعاقب آن تعارض نقش اتفاق خواهد افتاد. بر اساس فرضیه‌ی برجستگی قلمرو، خانواده منبع اصلی تعارض برای زنان در مقایسه با تحصیل است و در واقع ریشه‌ی تعارض نقش‌ها در همین حوزه است و نه

1- The domain salience hypothesis

2- Marks (1996)

در حوزه‌ی تحصیل. بر این اساس اگر فردی متأهل نباشد، انتظار می‌رود تعارضی در حوزه‌ی خانواده با تحصیل احساس نکند. فرضیه‌ی انعطاف‌پذیری هم به نوعی همین منبع تعارض را تأیید می‌کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه زمینه‌ی اصلی پرسش‌های تحقیق، مبتنی بر نگرش‌ها و احساسات و برداشت‌های دانشجویان از فرآیند زندگی دانشجویی و زندگی زناشویی است؛ لذا بر اساس تجارب پژوهشی و تجارب زیسته‌ی محقق و موضوع و مسئله‌ی تحقیق، مناسب‌ترین استراتژی و روش تحقیق، روش تحقیق کیفی است. این مطالعه بر دریافت و ادراک زیسته‌ی تعارض نقش تحصیلی با نقش خانوادگی زنان دانشجو از نگاه خودشان متمرکز شده است.

رویکرد پژوهش حاضر، رویکرد زمینه‌ای است. انتخاب این رویکرد به دلیل ویژگی خاص موضوع که ماهیتی فرآیندی، سیال و اکتشافی دارد، بوده است. تفاوت این رویکرد با سایر رویکردهای پژوهش کیفی، فقدان نظریه‌ی از پیش تعیین شده و تأکید این رویکرد بر تکوین نظریه است. در این رویکرد محقق گردآوری داده‌ها را بر حسب پیشرفت نظریه تعدیل می‌کند؛ یعنی مسیرهای اشتباه کنار گذاشته شده و سؤال‌های مورد نیاز مرتبط بیشتری پرسیده می‌شود. داده‌ها حین فرآیند گردآوری آنها بررسی شده و کدگذاری اولیه شروع می‌شود. از بین داده‌های جمع‌آوری شده، دوباره سؤالانی مطرح شده و به جمع‌آوری مجدد یافته پرداخته می‌شود. در واقع یک فرآیند رفت و برگشتی صورت می‌گیرد تا به غنای مفهومی برسد.

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نیز با استفاده از روش استراس و کوربین و هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام می‌شود. یعنی پژوهش‌گر پس از هر مصاحبه متن آن را کلمه به کلمه و به صورت تاپی پیاده‌سازی کرد و پیش از انجام دادن مصاحبه‌ی بعدی از طریق جزء به جزء کردن اطلاعات آنها را کدگذاری کرد. به این صورت که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام شد. هدایت سؤالات و انتخاب مشارکت‌کنندگان نیز بر مبنای مقایسه‌ی مستمر داده‌ها انجام شد. داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌ها، دستی و با روش کدگذاری در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد.

با توجه به کیفی بودن این تحقیق هم‌زمان از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع برای گزینش زنان دانشجوی متأهل مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تعیین تعداد زنان مورد مصاحبه، مکان‌یابی معنایی داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر نظری پژوهش استفاده شده است.

نمونه‌گیری نظری فرآیندی است که در آن پژوهش‌گر حین جمع‌آوری، کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور ایجاد نظریه‌ی در حال شکل‌گیری، تصمیم می‌گیرد که در مرحله‌ی بعد، درباره‌ی چه موضوعاتی (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۶۳) و در چه مکانی داده جمع‌آوری کند، تا بتواند به توسعه‌ی نظریه بپردازد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۵ به نقل از گلاسر و اشتروس). هدف از این نمونه‌گیری، گرفتن نمونه از حوادث، رخدادها و امثال آنهاست (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

با توجه به هدف مطالعه، ۲۲ دانشجوی زن متأهل در مقاطع ارشد و دکتری بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان از لحاظ رشته‌ی تحصیلی انتخاب شدند. در این مطالعه نیز مانند همه‌ی تحقیقات کیفی، ابتدا چند سؤال کلی طرح شده و سؤالات تفصیلی بیشتر در خلال فرآیند انجام تحقیق پرسیده شده‌اند. مصاحبه‌ها برای حفظ انعطاف‌پذیری و عمیق بودن، به شکل نیمه ساختاری و به صورت انفرادی و رودررو و سؤالات به شکل باز مطرح شد. راهنمای مصاحبه شامل چند سؤال اصلی باز بود که به شرکت‌کنندگان فرصت بیان دیدگاه‌ها و نظراتشان را ارائه می‌داد. در روند مصاحبه از سؤالات کاوشی برای رفع ابهامات و عمق بخشیدن به پاسخ‌ها استفاده شد. مدت هر مصاحبه متناسب با علاقه و تحمل شرکت‌کنندگان ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود. قبل از انجام مصاحبه با بیان هدف مطالعه، نحوه‌ی همکاری، روش‌های جمع‌آوری و ضبط داده‌ها، نقش پژوهش‌گر و مشارکت‌کنندگان در پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات و مشخصات مصاحبه‌شوندگان (اعم از نام، فایل‌های مصاحبه، نوشتارها) و به کارگیری کد به جای اسم، رضایت آگاهانه‌ی مصاحبه‌شوندگان اخذ شد.

به منظور تعیین اعتبار داده‌ها در پژوهش، از بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری آن، مرور کدهای استخراج شده توسط مشارکت‌کنندگان، بررسی روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو تن از پژوهش‌گران تحقیق کیفی و درگیری مداوم و طولانی مدت با داده‌ها استفاده شد.

جدول (۱). مشخصات مصاحبه شونده‌ها

کد	نام مستعار	رشته	مقطع تحصیلی	دانشگاه	سن	تعداد فرزند	مدت ازدواج	وضعیت بومی و غیربومی بودن
۱	منیره	بیوشیمی	دکتری	تهران	۳۰	۱	۳	بومی
۲	زینب	فلسفه	دکتری	علامه طباطبایی	۴۵	۳	۲۰	بومی
۳	لیلا	سیاست‌گذاری سلامت	دکتری	پزشکی تهران	۴۳	۲	۱۸	بومی
۴	مریم	فارموکولوژی	دکتری	پزشکی تهران	۲۷	-	۲	غیربومی
۵	بهاره	داروسازی	دکتری	پزشکی تهران	۲۶	-	۱	غیربومی
۶	مریم	شیمی تجزیه	ارشد	تهران	۲۷	-	۳	بومی
۷	زهره	فیزیولوژی پزشکی	دکتری	پزشکی تهران	۲۷	۱	۴	بومی
۸	سحر	حشره‌شناسی	ارشد	پایه تهران	۳۲	-	۴	غیربومی
۹	فاطمه	بهداشت حرفه‌ای	دکتری	تهران	۳۰	۱	۳	بومی
۱۰	گیلدا	طراحی صنعتی	ارشد	تهران	۲۹	۱	۳	بومی
۱۱	تنا	روان‌شناسی	دکتری	علامه	۳۵	۲	۸	بومی
۱۲	معصومه	ادبیات عرب	ارشد	تهران	۳۰	۱	۲	غیربومی
۱۳	زهره	الهیات	دکتری	تهران	۳۳	۱	۳	غیربومی
۱۴	سحر	برق	ارشد	شریف	۲۹	-	۲	بومی
۱۵	پروانه	فیزیک	دکتری	امیرکبیر	۳۱	-	۵	بومی
۱۶	یگانه	هوا و فضا	ارشد	شریف	۲۳	-	۲	بومی
۱۷	ساره	طراحی شهری	دکتری	تهران	۲۸	-	۳	بومی
۱۸	سارا	پزشکی	دکتری	تهران	۲۶	-	۲	بومی
۱۹	ترانه	میکروبیولوژی	ارشد	تهران	۳۱	۱	۴	غیربومی
۲۰	هلنا	معماری	دکتری	تهران	۳۷	۱	۷	بومی
۲۱	الهام	بیوشیمی	دکتری	تهران	۳۳	-	۳	بومی
۲۲	هستی	علوم آزمایشگاه	دکتری	تهران	۳۵	۱	۵	غیربومی

۵- یافته‌های پژوهش

قبل از ورود به تحلیل داده‌ها ذکر این نکته ضروری است که کلیه یافته‌ها جنبه‌ی اکتشافی داشته و به هیچ وجه تعمیم‌پذیر نیست. یافته‌های این بررسی در پارادایم اشتراوس و کوربین تحلیل شده‌اند. مدل پارادایمی مذکور اجزای شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، تعاملات/ استراتژی‌ها و پیامدها دارد.

۵-۱. شرایط علی

جدول زیر شرایط علی منجر به تعارض نقش دانشجویی و خانوادگی، مقولات فرعی و اصلی این شرایط را که برآمده از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان است، نشان می‌دهد. عملکرد نامناسب نظام آموزشی فشار نقش مادری و فرزندداری، فشار نقش همسری، ضعف حمایت خانوادگی و نقش منفی خانواده جزء مقولات اصلی این شرایط است که به تفصیل در مورد هر کدام صحبت خواهد شد:

جدول (۲). مقولات اصلی و فرعی مرتبط با شرایط علی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
عملکرد نامناسب نظام آموزشی	ضوابط سخت آموزشی
	انعطاف‌ناپذیری و تصلب قوانین آموزشی
	یکسان‌نگری آموزشی
	بی‌نظمی‌های گروه آموزش
	اتلاف زمان آموزشی
فشار نقش مادری و فرزندداری	سلیقه‌مداری در اجرای قوانین
	مشکلات بارداری و تحصیل
	مشکلات زایمان و تحصیل
	مشکلات نگهداری و مواظبت فرزند و تحصیل
فشار نقش همسری	مشکلات مطالعه و امور درسی و فرزندداری
	کمبود زمان و توان برای همسرمداری و تحصیل
ضعف حمایت خانوادگی	همسرمداری و مشکلات مشارکت علمی
	ضعف حمایت ابزاری
	فقدان حمایت اقتصادی
نقش منفی خانواده‌ی همسر	ضعف مشاوره‌ی علمی
	ایجاد مسئولیت مضاعف
	ایجاد بی‌نظمی در برنامه‌های روزانه سربار شدن مشکلات اطرافیان به زوجین

الف. عملکرد نامناسب نظام آموزشی

ساختار نظام آموزش عالی کشور ایران از کشورهای اروپایی اخذ و قوانین آن عمدتاً بر اساس فرهنگ آن کشورها طراحی و نهاده شده است. با ورود نظام آموزش بوروکراتیک و ساختارمند به کشور، قواعد، قوانین و ضوابط ورود و خروج افراد و سنجش و ارزشیابی علمی دانشجویان و شرایط جذب اساتید نیز با اقتباس از الگوی کشورهای پیشتاز در این زمینه بدون لحاظ کردن شرایط بومی و اقتضائات فرهنگی - اجتماعی در کشور مستقر شده است. در این نظام، کلیه قوانین آموزشی اعم از قوانین پذیرش دانشجویان، قوانین ارزشیابی تحصیلی و... دارای ساختارهای متصلب و غیرقابل انعطاف است. یکی از مصاحبه شونده‌ها در این زمینه می‌گوید:

«تو مقطع تحصیلات تکمیلی اساتید باید زود نمره‌ی دانشجو را آخر همان ترم به آموزش بدهند. وقتی می‌گوییم یک فرصتی بدهید تا تحقیقات کلاسی را مثلاً یک ماه دیگه بدهیم قبول نمی‌کنند و همین آماده‌سازی تحقیقات کلاسی خیلی وقت‌گیر است. تو دکترا تا سه ترم امکان نمره دادن برای اساتید باز است (کد ۱۴)».

در این قوانین توجهی به شرایط دانشجویان متأهل نشده و قانونی کلی در تمام زمان‌ها و برای همه افراد و شرایط حاکم است. یکی از دانشجویها در این مورد چنین گفته است:

«واحدهای کارورزی داریم که باید بیمارستان برویم و هیچ فرقی بین متأهل و مجرد برای این شیفت‌ها نیست (کد ۵)».

ب. فشار نقش مادری و فرزندداری

بسیاری از زنان امروز که در حال تحصیلات عالی هستند و به خاطر علاقه و توانایی‌های ویژه وارد دانشگاه‌ها شده‌اند، بعد از تأهل و تولد فرزندشان، دچار چالش جدی بین نقش اجتماعی - علمی و خانوادگی خود می‌شوند و از آن جایی که ساختارهای اجتماعی تسهیل‌کننده‌ی نقش‌های چندگانه‌ی زنان نیستند، امکان جمع کردن این دو نقش هم‌زمان برایشان مقدور نیست:

«متأسفانه دانشگاه‌ها مهد کودک ندارند، من نمی‌دونم بچه‌ام را وقتی می‌خوام پیام دانشگاه کجا بگذارم (کد ۱۰)».

مشغول بودن در دو محیط و داشتن مسئولیت‌های سنگین، مشکلاتی را دربردارد که باعث از دست رفتن توان و نیروی زنان شده و موجب می‌شود که آنها کمتر بتوانند در هر یک از این زمینه‌ها کارایی مطلوب و لازم را داشته باشند. زنان در پاسخ گویی به انتظارات و نیازهای هر دو نقش خانوادگی و تحصیلی که مستلزم توان و پاسخ‌گویی بالاست، گاهی با کمبود انرژی و در نتیجه ضعف و ناتوانی روبه‌رو می‌شوند:

«به خاطر فرزندم مجبور شدم یک سال مرخصی بگیرم و عقب افتادم. هم‌زمان با اینکه رتبه‌ی قبولی آوردم فرزندم هم به دنیا آمد (کد ۱)».

ج. فشار نقش همسری

با تغییر در سبک زندگی و نگرش زنان نسبت به هویت خود، به تدریج تعدد نقش‌های همسری و دانشجویی - که گاه با اشتغال همراه است - به تضاد نقش‌ها و گاهی سردرگمی و ناامیدی از در کنار هم قرار دادن این مجموعه نقش‌ها منجر می‌شود و فرد را دچار به اصطلاح فشار نقش می‌کند: «وقتی مجرد بودم مسئولیت کم بود؛ مثلاً مهمانی نمی‌رفتم لازم نبود ناهار حتماً با خانواده باشم الان باید غذا بپزم مهمانی بروم همیشه هم نمی‌توان گفت که نمی‌آیم و نمی‌تونم (کد ۷)».

«مسئولیت خانم‌ها در خونه فقط خورد و خوراک نیست به طور مثال وقتی همسر مریض می‌شود مثلاً به سرماخوردگی ساده باعث می‌شود وقت من هم گرفته بشه و کارهای منزل دو برابر بشه (کد ۴)».

در علم جامعه‌شناسی این تعدد نقش که قاعدتاً فشار مضاعفی را بر جسم و روان زنان تحمیل می‌کند، در اصطلاح «فشار مضاعف» اطلاق می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان به فشارهای توأمان شدن نقش همسری و دانشجویی اشاره کرده‌اند:

«غذا پختن برای من که دانشجو هستم خیلی سخته و بسیار وقت گیره. چون هر روز باید برای همسرم غذا بپزم که بتونه محل کار ببره. هر شب هم باید شام داشته باشم (کد ۱۵)».

د. ضعف حمایت خانوادگی

مشکلات خانوادگی همسران می‌تواند حمایت آنها را از فرزندانشان - به ویژه در شرایطی که نیازمند یاری آنها هستند - کاهش دهد. گاهی اوقات این کمبود حمایت ناشی از دوری خانواده است: «من نمی‌تونم رو کمک خانوادگی خودم و همسرم حساب کنم چون شهرستان هستند و من از اونها دورم (کد ۷)».

از دیگر عوامل تضعیف‌کننده‌ی حمایت‌های خانوادگی می‌تواند شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی خانواده و وضعیت نامناسب خانوادگی والدین باشد، گاهی اوقات این امر می‌تواند به دلیل ناتوانی و بیماری یا کهولت سن والدین باشد و امکان حمایت‌های اقتصادی، ابزاری، عاطفی، اطلاعاتی و حمایت اجتماعی را از فرزندان سلب کند.

«ما چند فرزند هستیم و هر کدام ما به جورایی برای مادرم زحمت هستیم چطور مادرم می‌تونه به من کمک کنه و هم به خواهرم که فرزند کوچیک داره (کد ۹)».

گاهی نیز دانش ناکافی خانواده‌ها و حمایت ضعیف آنها و نیز نبود شرایط مناسب خانواده‌ها در یاری‌رسانی به فرزندان دانشجوی خود می‌تواند پتانسیل حمایت‌گری خانواده را کاهش دهد: «خانواده‌ی من و همسر از نظر تحصیلی و مشاوره‌های علمی چون سطحشون پایین‌تره عملاً کمکی نمی‌توانند بکنند (کد ۴)».

ه. نقش منفی خانواده

یکی دیگر از مواردی که از سوی مشارکت‌کنندگان مطالعه مطرح شد، نقش منفی خانواده‌ی همسر در ایجاد تعارض نقش تحصیلی و نقش‌های حوزه‌ی خصوصی نظیر همسری و مادری است. مشارکت‌کننده‌ای گفته است:

«خانواده‌ی همسر من خیلی با درس خوندن من موافق نیستند و کلاً اگر هم بتونند کمک کنند این کار را نمی‌کنند؛ مثلاً شرایط من را درک نمی‌کنند حتی موقع امتحانات سرزده و بدون اطلاع می‌آیند یا از من انتظار دارند در خیلی از مراسم‌های آنها شرکت کنم (کد ۱۶)».

نقش منفی، گاه به صورت آشکار و گاه علنی، در مخالفت با تحصیل، گاه به صورت ایجاد شرایطی که منابع و انرژی فرد را بیش از پیش کاهش می‌دهد، جلوه‌گر می‌شود: «با خانواده‌ی همسر من مشکل دارم چون دیر به آنها سر می‌زنیم گله‌مند هستند توقع دارند اگر مریض می‌شوند آنها را دکتر ببریم نوبت دکتر بگیریم کارهای اداری شون را بگیریم کنیم (کد ۱۷)».

و گاه به صورت ایجاد اضافه‌نقش همچون نقش مراقبت‌کننده و نقش مضاعف حمایتگر و... بروز می‌کند:

«مادرم عمل قلب باز کرده و من هفته‌ای ۳-۴ روز منزل مادرم هستم و اصلاً به امور درسی و خانوادگی‌ام نمی‌رسم (کد ۱۸)».

۵-۲. شرایط مداخله‌ای

شرایط مداخله‌ای شرایطی است که می‌تواند به همراه شرایط علی به گسترش پدیده‌ی تداخل و تعارض نقش‌های تحصیلی و خانوادگی بانوان دانشجوی منجر شود. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با نمونه‌های هدفمند مورد تحقیق مدت زمان سپری شده از ازدواج، تعداد فرزندان، شرایط شغلی و تحصیلی همسر، شرایط مسکن، شرایط شغلی فرد، وضعیت اقامت زن و شوهر و وضعیت اقتصادی خانواده می‌تواند به صورت معکوس ایفای نقش کند؛ برای نمونه چنانچه شرایط شغلی و تحصیلی همسر به گونه‌ای باشد که وی نیز مشغله‌های تحصیلی و شغلی انعطاف‌ناپذیر داشته باشد، امکان حمایت ابزاری از همسر را نخواهد داشت. شرایط مسکن و خانه‌ی استیجاری، شرایط

زندگی فرد را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد و بر حجم مشکلات دانشجویان می‌افزاید. اشتغال به کار دانشجویی و داشتن نقش شغلی هم می‌تواند به اضافه نقش منجر شود. همچنین وضعیت اقامت زن و شوهر از نظر دور زیستن آنها از هم موجب شرایط دشوارتری خواهد شد. از سوی دیگر شرایط نامناسب اقتصادی زوجین می‌تواند این دوران پرمسئولیت را برای آنها دشوارتر کند. برخی از مصاحبه‌شوندگان که فرزند داشتند، نسبت به دانشجویان متأهل بدون فرزند، بیشتر احساس اضافه بار نقشی می‌کردند، جالب آنکه دانشجویانی که مدت زمانی از ازدواج آنها سپری شده بود و خود را با شرایط تأهل بیشتر سازگار نموده بودند، احساس تعارض و فشار نقش کمتری داشتند. یک دانشجوی در این مورد گفته است:

«شوهرم که مأموریت تو شهر دیگه‌ای و من به خاطر شغل و دانشگاهم اینجا موندم، اغلب تنهام دیگه دارم کم می‌آورم. خیلی از کارها رو که قبلاً شوهرم انجام میداد، افتاده گردن من، اینها به مشکلات درسی و دانشگاهم اضافه شده (کد ۹)».

۵-۳. پیامدها

الف. کاهش حس کنترل بر زندگی

۴۶

بر اساس یافته‌های این مطالعه برخی از مشارکت‌کنندگان بر این موضوع تأکید داشتند که ایفای هم‌زمان نقش‌های تحصیلی و خانوادگی و گاهی شغلی موجب شده است، برخی از امور خود را به تعویق اندازند:

«گاهی وقت‌ها اینقدر وقت کم می‌آرم که می‌بینی باید برای خیلی از موارد می‌رفتم دکتر، اما مدام این کارها رو عقب می‌اندازم یا پیش خودم می‌گم بگذار مثلاً امتحان ترم را بدهم بعداً... (کد ۹)».

و یا در رفتار با اطرافیان خود مجبور می‌شوند تصمیمی خارج از عرف معمول بگیرند:

«من به خاطر فشارهایی که وارد میشه اغلب برای بچه‌ام زیاد وقت نمی‌گذارم. احساس می‌کنم باید برای مشکل ارتباط با فرزندم که بیشتر به خاطر درگیریم با درس و دانشگاه پیش اومده فکری کنم. انگار فکر می‌کنه کتاب و درس هووی اون (کد ۱۹)».

در مجموع این شرایط موجب تداخل و فشار بر روند عادی زندگی خود، فرزندان و همسرشان شده و کنترل آنها را بر امور خانه و خانواده کاهش می‌دهد.

ب. تضعیف صمیمیت زناشویی

برخی از مصاحبه‌کنندگان در مورد تبعات و پیامدهای فشارهای نقش تحصیلی و خانوادگی به کاهش صمیمیت زناشویی اشاره کرده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای این گونه می‌گوید:

«با استرس امتحان همیشه زن آرامش داشته باشه خصوصاً شب‌های امتحان. قبلاً ساعت‌ها با هم حرف می‌زدیم الان اگه وقت کنیم در روز نیم ساعت کلا صحبت کنیم (کد ۲۱)».

صمیمیت زناشویی ابعاد نه‌گانه‌ای شامل: صمیمیت عاطفی، صمیمیت روان‌شناختی، صمیمیت عقلانی، صمیمیت جنسی، صمیمیت جسمی، صمیمیت معنوی، صمیمیت زیباشناختی، صمیمیت اجتماعی - تفریحی و صمیمیت زمانی است (شهرستانی و همکاران، ۱۳۹۱).

مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان بر تضعیف صمیمیت جنسی:

«یکی از مشکلات من خستگی است و دیر می‌خواهم. به مسائل جنسی دیگر نمی‌رسیم؛ در مقام عمل ۵۰ یا ۶۰ درصد اولویت داره. هر دو خسته‌ایم و مسئله‌ی جنسی کم‌رنگ شده (کد ۱۷)».

مصاحبه‌ی مشارکت‌کنندگان بر تضعیف صمیمیت تفریحی:

«تنها تفریح‌مان این است که به منزل خانواده‌ی من برویم. این ترم اصلاً با هم گردش یا تفریح نرفتم چون وقتش را نداشتم (کد ۴)».

مصاحبه‌ی مشارکت‌کنندگان بر تضعیف صمیمیت زمانی:

«دوست دارم از همسرم بپرسم چطور آرایش کنم یا بپوشم می‌پسندند اما راستش فرصت نمی‌کنم به زیبایی ظاهری‌ام برسم شاید هم فشار درس‌ها این حس را از من گرفته (کد ۲۲)».

مصاحبه‌ی مشارکت‌کنندگان بر تضعیف صمیمیت عاطفی:

«وقتی خیلی کار داریم، مدام استرس و اینکه همش سرت تو کتاب باشه روی حس انسان اثر می‌گذاره، نه صمیمیتی می‌مانه و نه ابراز عشق و علاقه (کد ۷)».

ج. کاهش ظرفیت روانی

تمامی کسانی که با کلاس درس و دانشگاه سروکار دارند، به گونه‌ای با عواملی که موجب بروز نشانه‌های فشار روانی می‌شود روبه‌رو می‌شوند:

«به خاطر مسائل شهریه‌ی تحصیلی و مشکلات خونه و درس خیلی بی‌طاقت شده‌ام و سر کوچک‌ترین مسئله به هم می‌ریزم (کد ۱۰)».

فشارزاهای تحصیلی می‌تواند در نحوه‌ی یادگیری و سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانشجویان نیز تأثیر بگذارد. افرادی که در معرض فشارزاهای روانی - آموزشی و خانوادگی بیشتری قرار دارند، به نسبت سایر افراد عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری از خود نشان می‌دهند.

بیشترین فشارزاهای تحصیلی شامل: الزامات تحصیلی، فشارهای مربوط به مقررات انضباطی، امتحانات، جو و فضای آموزشی دانشگاه، رقابت با همکلاسی‌ها، کمبود وقت، ارتباط با اساتید، فشارزاهای محیط آموزشی نیز شامل: محیط فیزیکی و کلاس بوده و فشارزاهای مربوط به

فارغ‌التحصیلی و انتخاب شغل در آینده و فشارزاهای مربوط به محیط خوابگاه نیز دارای بیشترین تکرار هستند. فشارزاهای شخصی نیز بر کشمکش‌های خانوادگی، مشکلات مالی و تضادهای بین فردی متمرکز است که موجب کاهش ظرفیت روانی دانشجویان و ایجاد استرس و تنش رفتاری می‌شود. دانشجویی در این مورد گفته است:

«بعضی وقت‌ها به خاطر نوع مواد استفاده شده در آزمایشگاه دانشگاه عصبی می‌شوم.

همسرم هم مسلماً اذیت می‌شود (کد ۱)».

د. فرسودگی تحصیلی

فرسودگی تحصیلی در میان دانشجویان به احساس خستگی به خاطر تقاضاها و الزامات تحصیل (خستگی)، داشتن یک حس بدبینانه و بدون علاقه به تکالیف درسی فرد (بی‌علاقه‌گی) و احساس شایستگی نداشتن به عنوان یک دانشجو (کارآمدی پایین) اشاره می‌کند:

«ترم قبل اینقدر از یک طرف فشار تکالیف درسی و حجم انبوه منابع برای امتحان و استرس نمره و از طرف دیگر کارای خونه و مسئولیت زندگی باعث شد، چند روز بیمارستان باشم الان احساس می‌کنم دیگه توان و انرژی درس خوندن ندارم (کد ۱۸)».

می‌توان گفت که موقعیت‌های آموزشی به عنوان محل کار فراگیران محسوب می‌شود، اگر چه فراگیران در موقعیت‌های آموزشی به عنوان کارمند، کار نمی‌کنند یا شغل خاصی در آنجا ندارند، اما از دیدگاه روان‌شناختی، فعالیت‌های آموزشی و درسی آنها را می‌توان به عنوان یک «کار» در نظر گرفت. آنها در کلاس حضور پیدا می‌کنند و برای موفقیت در امتحانات و کسب نمره‌ی قبولی مجموعه تکالیفی را انجام می‌دهند. به تازگی، این موضوع مطالعات متعددی را در دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده است. نیومن (۱۹۹۰) معتقد است که فرسودگی تحصیلی در دانشجویان بنا به دلایل مختلف یکی از عرصه‌های مهم تحقیقات دانشگاهی است؛ دلیل اول این است که فرسودگی تحصیلی می‌تواند کلید مهم درک رفتارهای مختلف دانشجویان، مانند عملکرد تحصیلی در دوران تحصیل باشد. دلیل دوم این است که فرسودگی تحصیلی رابطه‌ی دانشجویان را با دانشکده و دانشگاه خود تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ برای مثال فرسودگی تحصیلی تعهد دانشجویان را به دانشکده و میزان مشارکت آنها را در امور علمی بعد از فراغت از تحصیل تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلیل سوم اینکه فرسودگی تحصیلی می‌تواند شوق و اشتیاق دانشجویان را به ادامه‌ی تحصیل تحت تأثیر قرار دهد (نعامی، ۱۳۸۸). دو مشارکت‌کننده به این شکل به فرسودگی تحصیلی اشاره کرده‌اند:

«به خاطر درگیری طولانی مدت درسهام از یک طرف و کارهای خونه از طرف دیگر، رغبت

و حوصله‌ی انجام پایان‌نامه را ندارم. حتی گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم که انصراف بدهم چون

خود پایان‌نامه دکتری هم ۲ سال طول می‌کشد (کد ۱۵)».

۵-۴. استراتژی‌ها

زندگی تحصیلی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی فرد است و ممکن است فرد با انواع چالش‌ها، موانع و فشارهای خاص این دوره همچون نمرات ضعیف، سطوح استرس، تهدید اعتماد به نفس و در نتیجه کاهش انگیزش و تعامل و... مواجه شود. در دوران تحصیل متأهلین، انطباق و سازگاری با فرصت‌ها و چالش‌های زندگی تحصیلی و زندگی خانوادگی حائز اهمیت است. در این مطالعه دانشجویان در مورد نحوه‌ی مواجهه با چالش‌های تحصیلی و فشار نقش خانوادگی دو نوع استراتژی بسیار متفاوت را مطرح کرده‌اند:

در استراتژی اول، افراد راه‌هایی را برمی‌گزینند که مستلزم تلاش و پشتکار بیشتر است. در این نوع سازگاری افراد از پتانسیل‌های موجود و فرصت‌های مطلوب و مناسبی که در زندگی روزمره‌ی آنها وجود دارد، بهره‌می‌برند؛ اما در استراتژی دوم یعنی سازگاری منفی افراد بدون افزایش توان و صرف انرژی بیشتر، سعی می‌کنند با اهمال کاری و گاهی شکستن هنجارهای اجتماعی و هنجارهای علمی هدف خود را تا حدی محقق کنند. در ادامه برخی از مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آنها اشاره کرده‌اند، بیان می‌شود:

۵-۴-۱. سازگاری مثبت

الف. تغییر الگوی تخصیص زمان

برخی از دانشجویان متأهل با یک استراتژی مناسب و سازگاری مثبت می‌کوشند تا بتوانند هم وظایف خانوادگی و هم وظایف تحصیلی خود را تا حد امکان مدیریت کنند:

«اغلب مواد غذایی را که برای تهیه‌ی غذا لازم دارم آماده می‌خرم، چون فرصت اینکه بخوام مثلاً سبزی پاک کنم یا پیاز سرخ کنم واقعا ندارم (کد ۱۸)».

برخی نیز با تغییر الگوی تخصیص زمان امور خود را برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی می‌کنند:

«اغلب تولدها و جشن‌ها و دورهمی‌های فامیلی و دید و بازدیدهای زیارتی را نمی‌روم چون فرصت ندارم، اول ناراحت می‌شدند اما شرایطم را توضیح دادم قانع شدند (کد ۹)».

برخی نیز با واسپاری برخی امور به دیگران یا خرید زمان به نفع خود در قالب استخدام کمک‌کار در خانه برای انجام دادن پاره‌ای از امور بر تنگناهای زمان و انرژی فائق می‌آیند:

«با شرایط درسی که دارم مجبورم که کارهامو مدیریت کنم و یه برنامه‌ریزی داشته باشم مثلاً برنامه گذاشتم هفته‌ای چند بار وقتم صرف شام درست کردن بشه یا چند ساعت وقت خرید مایحتاج خونه کنم یا هر چند وقت یک بار خونه‌ی مادرم یا مادر شوهرم برویم این طوری می‌دونم که وقتم را مدیریت کردم و تلف نشده تا به کارهای درسی‌ام برسم (کد ۲۱)».

ب. جلب حمایت خانوادگی

برخی از مشارکت کنندگان، به خانواده به عنوان منبعی برای دریافت حمایت در شرایط خاص می‌نگرند و مسائل آموزشی خود را به درون نهاد خانواده سرریز می‌کنند و از اعضای خانواده انتظار کمک و حمایت دارند:

«اوایل، خانواده‌ی همسرم به درس خوندن من راضی نبودند و می‌گفتند که هر دو اگر درس بخونید با بچه و کار و تحصیل حتما آسیب می‌بینید اما الان که علاقه‌ی هر دو مون را به درس و تحصیل دیدند، سعی می‌کنند از کمک مالی تا کمک به امور بچه‌ها، ما را از نظر تحصیلی کمک کنند (کد ۷)».

حمایت‌های خانواده می‌تواند در دو تیپ شامل حمایت ابزاری خانواده و حمایت عاطفی خانواده بروز کند:

«دخترم که ۹-۸ ماهه شد با مادرم با هم به دانشگاه می‌رفتیم. یعنی هر دو روز در هفته صبح آژانس می‌گرفتیم می‌رفتیم دانشگاه و مادرم و دخترم در نمازخانه‌ی دانشکده و منم سر کلاس می‌رفتم و می‌آمدم سر می‌زدم و تغذیه بچه و همین‌طور... تقریباً دو ترم این‌طور بود؛ ترم سوم (پاییز امسال) دخترم بزرگ شد و از شیر گرفتم. اگر مادرم نبود، یا شهرستان بود حتماً انصراف می‌دادم (کد ۱۰)».

حمایت عاطفی می‌تواند شامل تشویق، همدلی، درک شرایط تحصیلی همسر، ارائه‌ی تجربیات مناسب به فرد، توجه و نگاه مثبت به نقش تحصیلی فرد، راهنمایی وی و درک مشکلات آموزشی شود. حمایت عاطفی همسر موجب می‌شود بانوان دانشجو بتوانند تقاضاهای گسترش یافته‌ی ناشی از مشارکت علمی و تعدد نقش را اداره کنند و تداخل و تعارض نقش‌های تحصیلی و خانوادگی را کاهش دهند:

«همسرم مواقع امتحانات یا خودش غذا میپزه یا سفارش میده تا من درس بخونم (کد ۸)».

نوع دیگر حمایت خانوادگی، حمایت ابزاری شامل مشارکت در امور خانه، کاهش مسئولیت‌های غیر ضروری خانوادگی، تنظیم ساختار خانوادگی با ساعات و زمان‌های مربوط به نقش تحصیلی فرد است. بدین ترتیب از تنش‌ها و فشارهای تعدد نقش کاسته می‌شود. یکی از دانشجویان از کمک مادرش در این مورد چنین می‌گوید:

«مادرم غذای فریزری درست می‌کنه تا مواقع امتحان و ... سرم شلوغه و وقت پختن غذا

ندارم استفاده کنم (کد ۹).

ج. تقسیم کار مجدد در خانه

دانشجویی درباره‌ی شیوه‌ی خود در خصوص ایجاد تعادل بین مشاغل تحصیلی و خانوادگی می‌گوید: «به خاطر شرایط سخت تحصیلم، من و شوهرم تصمیم گرفتیم کارهای خونه را طوری تقسیم کنیم که من فرصت بیشتری برای درس خوندن پیدا کنم (کد ۱۵)».

این راهبرد - که با عنوان راهبرد تقسیم کار مجدد عنوان شده است - به کاهش حجم وظایف محوله‌ی افراد منجر و باعث می‌شود که فرد زمان و توان بیشتری را صرف تحصیل کند.

«شوهرم پیشنهاد داد که رسیدگی به کارهای بچه و خرید روزانه و آماده کردن وسایل غذا و شستن ظروف با شوهرم باشه حداقل تا یک سال. برای اینکه من بتونم فشرده در مدت یکسال پایان نامه‌ام را تمام کنم (کد ۲۱)».

۴-۲. سازگاری منفی

الف. درگیری در یک نقش

در شرایط مواجهه با فشار ایفای چند نقش متفاوت با انتظارات متفاوت برخی از مشارکت‌کنندگان مطرح کردند که هر چه بیشتر درگیر نقش‌های خانوادگی می‌شوند، نقش تحصیلی را در حاشیه قرار می‌دهند:

«همسری و مادری اولویت اول من است. حاضر نیستم به خاطر مشغله‌های درسی کیفیت امور زندگی خانوادگی‌ام پایین بیاد. البته این توجه زیاد به خانه‌داری و بچه و شوهر، مسلماً وقت درس و مطالعه را کمتر می‌کنه و اغلب درسهام می‌مونه برای آخر ترم و یه جورایی اونوقت تازه دنبال جزوه و تحقیق و ... میرم و وقت کافی ندارم که کتاب‌ها را عمیق بخونم (کد ۱۲)».

برخی نیز با اولویت دادن هر چه بیشتر به نقش دانشجویی و تحصیلی درصد برآمده‌اند تا نقش خانوادگی را کم‌رنگ کنند:

«من خودم ترجیح میدم که حداقل چند سالی را به امور آموزشی و تحصیلیم بیشتر تمرکز کنم چون درسم زودتر تموم بشه ولی از طرف خانواده همسر و گاهی اوقات از طرف همسرم بابت توجهم به درس مشکلاتی پیش میاد (کد ۷)».

اینکه مشکلات کدام نقش به حوزه‌ی نقش دیگر سرریز می‌شود، در رفتارها و تصمیمات افراد بسیار دخیل است. البته برخی از دانشجویها هم این رویه را مقطعی انتخاب کرده‌اند.

«بیشتر مواقع نمی‌دونم بالاخره اینکه یک دانشجو هستم مهمه یا اینکه یک خانم متأهلم و باید وظایف خانه‌داری و همسری‌ام را خوب انجام بدم (کد ۲۱)».

ب. چانه‌زنی تحصیلی

امروزه چانه‌زنی به همه‌ی عرصه‌های زندگی اجتماعی تسری یافته و نظام آموزشی نیز همساز و همخوان با سایر بخش‌های نظام اجتماعی، دچار آفت چانه‌زنی شده است. استرس، افت فشار خون، سردرد و میگرن، فراموشی مقطعی، ازدواج، پا به ماه بودن، بیماری یا فوت یکی از نزدیکان، مشکلات خانوادگی، شاغل بودن، سخت بودن سؤالات، تلاقی چند امتحان با هم، تراکم امتحانات، حجم زیاد مطالب امتحانی، انتظار نمره‌ی بالا برای شاگرد اول شدن، کسب شرایط دانشجوی استعداد درخشان، چشم و هم‌چشمی و... متداول‌ترین نمونه‌های عریضه‌نویسی در ورقه‌های امتحانی و دلایل چانه‌زنی آموزشی است. راندل کالینز جامعه‌شناس معاصر با طرح بازارهای فرهنگی معتقد است، آموزش و پرورش همانند یک بازار فرهنگی است. اساس این بازار که رابطه‌ی افراد را با هم تعیین می‌کند، مدرک است. همه‌ی ذی‌نفعان این بازار، دوست دارند مالک این کالای ارزشمند شوند، اما دلایل و انگیزه‌های متفاوتی برای آن دارند و البته روش‌های مختلفی نیز برای حصول به آن به کار می‌بندند؛ طبعاً چانه زدن و عریضه‌نویسی هم یکی از هنجارهای رایج و غالب در این بازار خواهد شد که البته مشتری‌های پروپاقرصی هم دارد (نوغانی، محسن. نمره مقطوع، چانه ممنوع: نقدی بر یادداشت‌های پسا امتحان. دسترسی در: <http://farhangi.um.ac.ir/portal>)

چانه‌زنی و اعتراض دانشجویان پس از اعلام نمرات پایان ترم، همیشه و در تمام ترم‌ها تکرار می‌شود، گاه استاد قانع می‌شود که نمره‌ای بدهد و گاه دانشجو گله‌مند از نمره ندادن استاد است. به زعم عده‌ای این سازش‌های مسالمت‌آمیز درباره‌ی نمره باعث افت کیفیت آموزش می‌شود. نقل قول یک دانشجو به عنوان شاهد در زیر ذکر شده است:

«غلب با اساتید صحبت می‌کنم و متقاعدشون می‌کنم تا کلاس‌ها را زودتر بلند شوم و بروم تا بچه تنها نمونه یا به استادها میگم شرایط بچه‌ام اینطوریه و دانشگاه هم مهد کودک نداره. بعضیا قبول می‌کنند ولی بعضی وقت‌ها هم استادها قبول نمی‌کنن نمی‌تونم پیام و غیبت می‌خورم (کد ۱۹)».

ج. آماده‌خوری علمی

در سال‌های اخیر، فرهنگ دانشگاه‌های ایران بیشتر به سمت بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی و گرایش به ضد اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران، آماده‌خوری فرهنگی و علمی، تمایل نداشتن برای تلاش جدی در راه تولید علمی پیش می‌رود که از موانع جدی در راه یادگیری علمی دانشجویان است.

مشارکت‌کنندگان نیز با اذعان به رویه شدن خرید پایان‌نامه، تحقیق یا ترجمه و مقاله و نیز کپی از مقالات و... مطرح کردند که به دلیل کمبود وقت و تعدد امور تحصیلی به ناچار آنها هم در برخی موارد از این راه، درصدد گذراندن واحد درسی و پاس کردن درس مربوطه و اخذ مدرک تحصیلی برای ارتقای شغلی و... هستند:

«الان کار دانشجویی آماده، ترجمه و تحقیق و حتی پایان‌نامه آماده می‌فروشند و می‌تونن بری و بخری ما هم که وقت نداریم و واقعاً به خاطر کار بیرون و مسئولیت زندگی نمی‌رسیم. من فقط می‌خواهم یک مدرک گرفته باشم برای همین پایان‌نامه‌ام را دادم یکی بنویسه و اغلب ترجمه‌های کلاسی را هم می‌دادم مترجم ترجمه می‌کرد» (کد ۹).

د. بده و بستن‌های علمی

یکی از مهم‌ترین نقش‌های شبکه‌ی روابط اجتماعی در زندگی علمی افراد، نقش حمایتی و تبادلات علمی است. در واقع برخی دانشجویان برای استفاده‌ی علمی بهتر و تحقق اهداف آموزشی خود، با بهره‌گیری از شبکه‌ی اجتماعی از حمایت‌ها و کمک‌های آنها استفاده می‌کنند. سهم عمده‌ای از روابط زنان تحصیل کرده و دانشگاهی، اشکالی از روابط دوستانه با دانشجویان و برخی اساتید است که گاه با اقامت در خوابگاه و گسترش عرصه‌ی جغرافیایی و قومی محقق می‌شود. روابط با دوستان دوران دانشگاه، موجب تجربه‌اندوختی و روابط حرفه‌ای در دوره‌های بعدی زندگی افراد می‌شود. در واقع دانشگاه علاوه بر آنکه شبکه‌ای از روابط را به وجود می‌آورد، گذرگاهی برای ورود به جامعه‌ی بعدی است. در این باره دانشجویی گفته است:

«من با خیلی از اساتید به جهت شغلم ارتباط دارم. دانشگاه هم که قبول شدم ارتباطاتم را با اساتید زیاد کردم تا در مواقع لزوم که کارم گیر کرد از اونها کمک بگیرم. باور کنید هر چی که این ارتباطات و آشنایی‌ها بیشتر باشد، از گرفتن نمره تا حتی خوابگاه تا نمره پایان‌نامه و دفاع، کارت راه بیفته. حتی روز مصاحبه دکتری هم می‌تونن روی کمک آنها حساب کنی البته باید بیرون دانشگاه من کارهای اداری اونها را راه بیاندازم من هم دریغ نمی‌کنم» (کد ۴).

ه. چانه‌زنی خانوادگی

چانه‌زنی در امور مختلف از تجربه‌های روزانه است. این چانه‌زنی‌ها را می‌توان راهبرد اساسی زندگی در جامعه‌ی ایرانی دانست. در نگاه کلی چانه‌زنی راهبرد زندگی روزمره‌ای است که طی آن انسان ایرانی در موقعیت‌های عملی مشخص خود را با ساختارهای کلان در آن موقعیت‌ها وارد گفت‌وگو می‌کند. از طریق راهبرد چانه‌زنی در مرحله‌ی اول درک و شناختی از موقعیت به دست آورده می‌شود. چرا که طی فرآیند چانه‌زنی مجموعه‌ی وسیعی از اطلاعات تولید و ردوبدل

می‌شود. دوم اینکه در چانه‌زنی امکان تفسیر موقعیت وجود دارد. به عبارتی در فرآیند چانه‌زنی زمینه‌ای برای شناختی شخصی و متقاعد کننده و متناسب با تصمیم‌گیری ضروری از موقعیت به دست داده می‌شود و دیگر آنکه افراد از طریق چانه‌زنی به بازتولید یا تداوم ساختارها و نهادها می‌پردازند. به بیان ساده‌تر، می‌توان از طریق چانه‌زنی مناسبات الگو یافته و نهادینه شده در زندگی مانند مناسبات خانوادگی یا مناسبات اقتصادی در بازار یا مناسبات سیاسی در روابط بین دولت و شهروندان را بازتولید کرد. می‌توان اذعان کرد که چانه‌زنی راهبردی معجزه‌آسا برای نوآوری، ایجاد تغییر و دست‌کاری در ساختارها، مرزها و مناسبات الگو یافته تثبیت شده است (رزم‌آرای، علی). چانه‌زنی؛ فرهنگ یا عادت...؟! دسترسی در : www.araznews.ir. در این مطالعه نیز یکی از سازگاری‌های منفی دانشجویان متأهل در برابر شرایط فشار نقش این بود که از موقعیت تحصیلی خود در راستای چانه‌زنی در درون مناسبات خانوادگی برای تحقق درخواست‌های کاهش وظایف استفاده کرده و همسر و خانواده‌ی همسرشان را متقاعد کنند تا مطالبات آنها را بر حسب شرایط وی کاهش دهند و بدین ترتیب با حفظ نهاد خانواده تلاش می‌کنند راه میانبری برای تثبیت موقعیت خود در محیط دانشگاه و خانواده بیابند:

«بیشتر سعی می‌کنم که همسرم را متقاعد کنم که الان موقعیت انجام این کارها نیست و من شرایط مناسبی ندارم و تکالیف تحصیلی‌ام اجازه نمیده که مثلاً مسافرت برویم و یا دید و بازدید. خلاصه سعی می‌کنم برنامه‌های اونو با برنامه‌های خودم یکی کنم و یا به طوری بیچونم و خیلی از کارها را انجام ندهم (کد ۱۵)».

و. ازدواج و فرزندآوری تأخیری

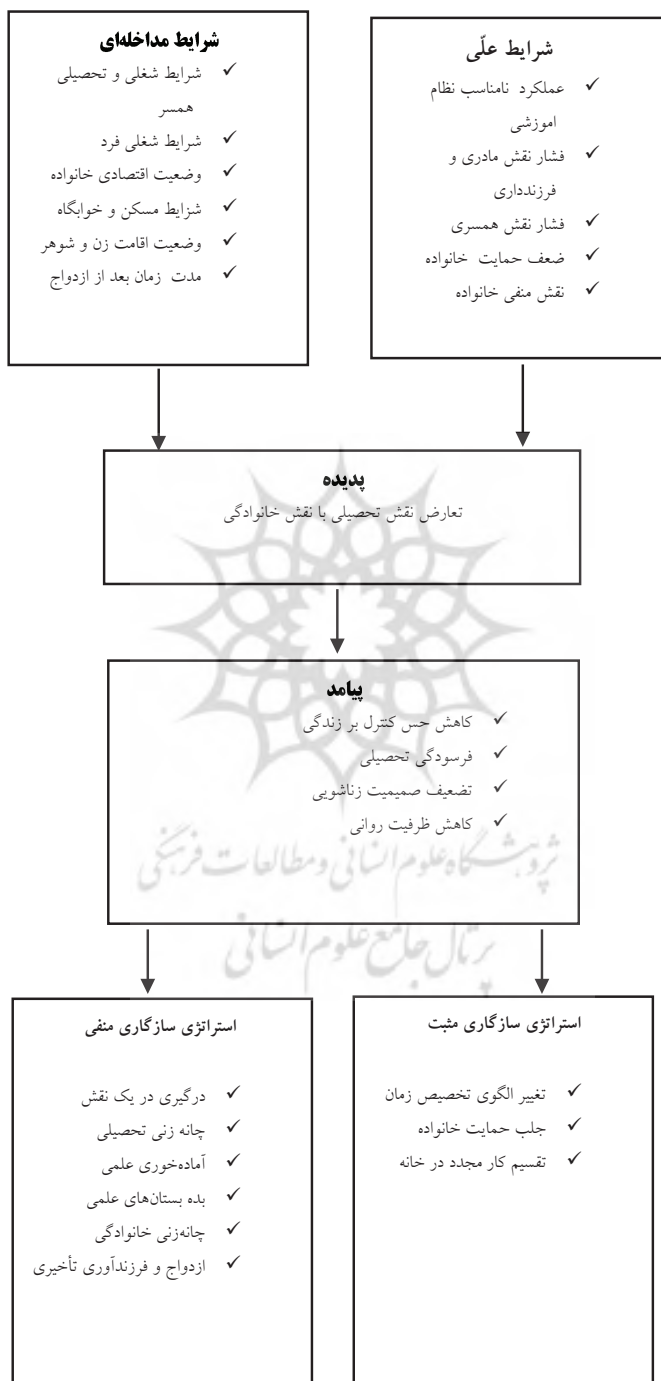
تعدادی از زنان دانشجوی مصاحبه شده در مواجهه با شرایط و فشارهای درسی و تحصیلی و گاه سرزنش اساتید، به تأخیر و تعویق در فرزندآوری تصمیم گرفته‌اند:

«وقتی ۱۵ ساعت کشیک بیمارستان باشید معلوم است که چکار می‌کنی تصمیم می‌گیری تا رزیدنت هستی بچه‌دار نشی (کد ۱۸)».

برخی از دانشجویان هم که در مرحله‌ی نامزدی و عقد رسمی هستند، برگزاری مراسم رسمی ازدواج و ورود به مسئولیت‌های خانوادگی را برای فرار از مسئولیت‌های زندگی مشترک به تأخیر می‌اندازند.

ز. مقوله‌ی هسته‌ای (غفلت نظام آموزش عالی از نهاد خانواده)

به اذعان مصاحبه‌شوندگانی که درگیر در ایفای دو نقش هم‌زمان دانشجویی و خانوادگی (به عنوان همسر و مادر) بوده‌اند، نظام آموزش عالی در ایران، ضوابط سخت و متصلب و انعطاف‌ناپذیری دارد و این ضوابط و قواعد بر این فرض طراحی شده‌اند که همه‌ی افراد شرایط یکسانی دارند و افرادی که وارد این سیستم می‌شوند، مجرد بوده و فارغ از درگیری‌های دیگر در این حوزه باید ایفای نقش کنند. غافل از اینکه مواردی وجود دارد که ایفای نقش دانشجویی و متعاقب آن سایر نقش‌های دیگری را که برخی از دانشجویان دارند با مشکل مواجه می‌کند. دانشجویانی که علاوه بر تحصیل نقش مادری یا همسری نیز دارند، در زمره‌ی این افرادند. مشکلات بارداری و نگهداری از فرزندان و وظایف خانه‌داری، باعث ایجاد فشار نقش در این گونه از زنان می‌شود و این فشار نقش زمانی که با ضعف حمایت‌های خانوادگی به ویژه نقش منفی خانواده‌ی همسر توأم می‌شود با کاهش ظرفیت روانی فرد، کنترل فرد بر زندگی را کاهش داده و روابط زناشویی را به روابطی سرد و بی‌روح تبدیل می‌کند. از طرف دیگر در حیطه‌ی دانشجویی نیز این افراد دچار فرسودگی تحصیلی می‌شوند. برای غلبه بر این مشکلات که توأمان در دو حوزه‌ی دانشگاه و خانواده اتفاق می‌افتد، افراد مختلف استراتژی‌های متفاوتی را پی می‌گیرند. برخی از این واکنش‌ها انفعالی، منفی و خارج از قواعد اخلاقی است (مثل چانه‌زنی تحصیلی، آماده‌خوری علمی) و برخی دیگر فعال و مثبت است (مثل مدیریت زمان و برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی امور و یا کسب حمایت دیگران و تقسیم کار مجدد و ...). در مجموع به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی با لحاظ مطالب مذکور ضروری است مقوله‌ی خانواده را در قوانین و قواعد نظام آموزشی مدنظر قرار دهد تا تبعات منفی تداخل این دو نقش به حداقل برسد و یا حذف شود. در مدل زیر شرایط علی و مداخله‌ای که به این مسئله دامن می‌زند و نیز تبعات آن به شکل نمودار نشان داده شده است:



شکل (۱): مدل پارادایمیک تعارض نقش تحصیلی با نقش خانوادگی

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید تغییرات جنسیتی در آموزش عالی کشور توانسته بسیاری از مناسبات موجود در سطح جامعه و خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. سازمان‌های بین‌المللی از ورود زنان به عرصه‌ی دانشگاه‌ها و تحصیلات عالی به عنوان فرصتی در مسیر ارتقاء نقش فعال زنان در جامعه و دسترسی برابر آنها به فرصت‌ها و منابع یاد می‌کنند (فریدونی، ۱۳۹۳: ۹)، اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده است، روایت تجربه‌ی زندگی متأهل دانشجویی از هم‌زمانی ایفای دو نقش تحصیلی و همسری یا مادری است. این تحقیق، روایت‌ها و تجربیات زنان دانشجو از زندگی دانشگاهی و زندگی متأهلی را بیان می‌کند تا در راستای درک موقعیت و وضعیت این گروه از دانشجویان، مسئولان برای رفع مشکلات و موانع موجود در دو عرصه‌ی مشارکت‌های آموزشی و تحصیلی و زندگی زناشویی ایشان برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی کنند. در این مطالعه می‌توان به درک جامعی از مفهوم چالش‌های ایفای نقش دانشجویی و نقش همسری/مادری دست یافت.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که دانشجویان برای ایفای هم‌زمان دو نقش با فشار نقش همسری، فشار نقش مادری/فرزندداری، ضعف حمایت خانوادگی و نقش منفی خانواده به عنوان شرایط علی مؤثر در تعارض نقش تحصیلی و نقش خانوادگی مواجه‌اند، یافته‌ای که با مطالعه‌ی حسنقلی پور و دیگران، بنشوف، سیلز و همکارانش همخوانی داشت. البته شرایط شغلی و تحصیلی همسر دانشجو، شرایط شغلی خود دانشجو، وضعیت اقتصادی خانواده و نیز داشتن مشکلات مسکن و خوابگاه و دور زیستن زوجها نیز می‌تواند در ایجاد چنین شرایطی دخیل باشد و به عنوان شرایط مداخله‌گر محسوب می‌شود. بر اساس یافته‌های مطالعه، دانشجویان در اثر این هم‌زمانی ایفای نقش‌ها، دچار اضافه بار نقش و تعهداتی متفاوت می‌شوند که تضادهای زمانی، مکانی و انرژی را ایجاد می‌کنند. استراتژی برخی دانشجویان در مواجهه با تعارض نقش تحصیلی و خانوادگی، تقسیم کار مجدد در خانه و جلب حمایت خانواده بوده است، راهبردهایی که با مطالعه‌ی مالونه (۱۹۹۸) نیز هم‌خوانی داشته‌اند. پیشنهاد این طیف از دانشجویان تمهید سازمان‌ها و نظام‌های هنجاری برای حمایت از افرادی است که در معرض تعارض نقشی‌اند، اما در رویکرد انباشتگی نقش بر جمع‌شدن مسئله‌ی تعارض و کمک به فرد برای اجتناب از برخورد شخصی با آن تأکید می‌شود که در راه‌حل‌های پیشنهادی دانشجویان برای تغییر در قوانین آموزشی مشاهده شد، اما بر اساس رویکرد انباشتگی نقش، روند نابرابر و ناموزون توزیع و تخصیص زمان و انرژی نسبت به مجموعه نقش‌های متعدد، فرد را به نفع نقش‌های بااهمیت و به ضرر نقش‌های کمتر مهم سوق می‌دهد، همان‌گونه که استراتژی برخی از دانشجویان درگیر شدن در یک نقش بود که از نظرشان با اهمیت بود و البته برخی نیز با دور زدن قوانین و تخلف، در واقع سطح نازلی از ایفای نقش

تحصیلی را داشتند. تعارض نقش تحصیلی و نقش خانوادگی به اذعان دانشجویان تبعات ناگوار و پیامدهای منفی را در پی داشته است.

منابع

- ◀ ادیبی، زهرا، محسن گل پرور و محمدرضا مصاحبی. «نقش تعدیل کننده کنترل شغلی در رابطه گرانباری، ابهام و تعارض نقش با پیامدهای رفتاری مثبت و منفی»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۴۳)، دوره جدید (۱۳۹۰).
- ◀ استراس، آنسلم و جولیت کوربین ۱۳۹۰. اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ◀ اوجیان، پرستو، فاطمه الحانلی و آذر طل. «بررسی وضعیت تضاد شغلی و تضاد خانواده و ارتباط آن با کیفیت زندگی پرستاران شاغل در بالین»، مجله تحقیقات نظام سلامت، (۴)، ۹، (۱۳۹۲).
- ◀ بابائیان، علی، علی محمدی مهموئی، حسین علیزاده و ذبیح‌اله کرمی. «تأثیر تعارض کار-خانواده و استرس شغلی بر فرسودگی شغلی کارکنان پلیس ناچا»، انتظام اجتماعی، سال ۴، ش ۴، (۱۳۹۱).
- ◀ بشلیده، کیومرث، مهسا درویشی و امین کرایبی. «بررسی نقش میانجی‌گر تعارض کار-خانواده در رابطه میان تعارض کارکنان و بارکاری با فرسودگی شغلی در پرستاران زن در بیمارستان‌های آموزشی درمانی شهر اهواز»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، (ویژه‌نامه خانواده و طلاق)، ش ۱، (۱۳۹۱).
- ◀ الحانلی، فاطمه و پرستو اوجیان. «تضاد کار و خانواده در پرستاران و همراهی آن با کیفیت زندگی آنان»، آموزش و اخلاق در پرستاری، دوره ۲، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ◀ حسقلی پور، طهمورث، سیدرضا سیدجوادی، خدیجه سفیری و مژگان روشن نژاد. «ارائه و تبیین مدلی برای علل و عوامل موثر بر توازن کار-زندگی»، مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۵، ش ۲، (۱۳۹۲).
- ◀ خادم دزفولی، زهرا، نسرين ارشدی و آذین تقی پور. «رابطه‌ی صفات شخصیت، حمایت سرپرست، و فشار روانی شغل با خشنودی شغلی و تعارض کار خانواده»، پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۱۵، ش ۲، (۱۳۹۱).
- ◀ ربانی خوراسگانی، علی، سعیده الهی دوست و فرشته قیصریه نجف آبادی. «مطالعه‌ای پدیدار شناسانه درباره تجربه زیسته مدیران زن در اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره پیاپی (۵۲)، ش ۴، (۱۳۹۲).
- ◀ رزم‌آرای، علی. چانه زنی؛ فرهنگ یا عادت...؟! دسترسی در: www.araznews.ir.
- ◀ رستگارخالد، امیر. «زنان شاغل و بررسی تاثیر منابع کنترل فشار بر ترکیب نقش‌های شغلی-خانوادگی آنان»، بانوان شیعه، سال ۳، ش ۸، (۱۳۸۵ ب).
- ◀ رستگارخالد، امیر. (الف). خانواده-کار-جنسیت، تهران، شورای فرهنگی-اجتماعی

زنان، روابط عمومی.

◀ سبک‌رو، مهدی، رضا، کلهریان، زین‌العابدین، کامجو و غلامرضا طالقانی. «تعارض کار- خانواده: نقش ادراک حمایت‌های سازمانی در قصد ترک خدمت (موردکاوی پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران)»، مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۳، ش ۶، (۱۳۹۰).

◀ شهرستانی، ملیحه و همکاران. «پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد»، زن و فرهنگ، سال ۴، ش ۱۴، (زمستان ۱۳۹۱).

◀ صیغ، محمدحسین، عباس ثابت مهارلوئی، احمد رستگار و رکنی. «بررسی عوامل سازمانی و روانشناختی موثر بر تعارض کار- خانواده پرستاران زن متاهل (ارائه الگوی تحلیل مسیر)»، زن و جامعه، سال ۵، ش ۲، (۱۳۹۳).

◀ طاهری، قدرت و نازی محمدزاده اصل. «بررسی تحلیلی عوامل موثر بر تغییرات ساختار تقاضای آموزش عالی با استفاده از سرشماری‌های آماری و پیش‌بینی تغییرات آن در افق ۱۴۰۴»، همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور، (۱۳۹۰).

◀ ظهیری‌نیا، مصطفی و بهروز بهروزیان. «مقایسه عوامل مؤثر در ورود زنان و مردان به دانشگاه»، زن و جامعه، سال ۳، ش ۴، (۱۳۹۱).

◀ فردوسی، طیبه و سیدمهدی آقاپور. «آسیب‌شناسی اجتماعی و فرهنگی دانشجویان در دانشگاه‌ها (با تاکید بر دختران دانشجوی)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۳، (۱۳۹۱).

◀ فریدونی، سمیه، ۱۳۹۳. روایت دختران از زندگی دانشگاهی (نظریه بومی تواناسازی زنان از طریق آموزش عالی). تهران، جامعه‌شناسان.

◀ قلی‌پور، آرزو، طیبه امیرخانی و عسل آغاز. «پیامدهای نهادی- توانمندسازی روان‌شناختی زنان در آموزش عالی»، زن: حقوق و توسعه (پژوهش زنان)، سال ۵، ش ۱، (۱۳۹۰).

◀ گل‌پرور، محسن، امین، برازنده و زهرا جوادیان. «تدوین الگوی پیش‌بینی تعهد سازمانی معلمان براساس متغیرهای همبسته؛ تعارض نقش، گرانباری و قرارداد روانی»، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال ۳، ش ۱، (۱۳۹۱).

◀ محمدپور، احمد. «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها»، انجمن انسان‌شناسی ایران، سال ۲، ش ۱۰، (بهار و تابستان ۱۳۸۸).

◀ محمدپور، احمد، ۱۳۸۹. ضدروش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران، جامعه‌شناسان.

◀ محمدی مقدم، یوسف. مویدی، علی و اسماعیل کشتکار. «تعارض بین نقش کارکنان پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا در محیط شغلی و خانوادگی. دوفصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر»، دوره هفتم، (پاییز و زمستان ۱۳۹۴).

◀ مسعودی عراقی، مجید و رحیم استوار. «بررسی رابطه ابهام و تعارض نقش و عملکرد شغلی: مطالعه موردی در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب»، اکتشاف و تولید نفت و گاز، ش ۱۱۶، (۱۳۹۳).
 ▶ مهدوی، سید محمدصادق و کتابیون هاشمی. «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر تحصیلات زنان بر ارتباطات انسانی در خانواده»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ۴، ش ۴، (۱۳۸۹).
 ▶ نبوی، سید عبدالحسین و مرضیه شهریاری. «علل و پیامد تعارض کار-خانواده و بررسی بیگانگی از کار به عنوان یکی از پیامدهای آن»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۳، پیاپی ۷، ش ۱، (۱۳۹۳).

◀ نعمی، عبدالزهر. «رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری با فرسودگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز». مطالعات روان شناختی، دوره ۵، ش ۳: (پاییز ۱۳۸۸).
 ▶ نوغانی، محسن. نمره مقطوع، چانه ممنوع: نقدی بر یادداشت‌های پسا امتحان. دسترسی در: <http://farhangi.um.ac.ir/portal>

▶ Adelstein, D, W. E, Sedlacek, & A. Martinez, "Dimensions underlying the characteristics and needs of returning women students". *Journal of National Association of Women Deans, Administrators, and Counselors*, 46(4), (1983).

▶ Bacharach, Samuel B., Peter Bamberger, & Sharon C, Conley, Work Processes, Role Conflict, and Role Overload: The Case of Nurses and Engineers in the Public Sector, *Work and Occupations*; 17; 199, (1990).

▶ Benshoff, J. M. "Nontraditional College Students: A Developmental Look at the Needs of Women and Men Returning to School." *Journal of Young Adulthood and Middle Age* 3, (1991).

▶ Benshoff, J. M, Henry A. Lewis, Nontraditional College Students, ERIC Clearinghouse on Counseling and Personnel Services Ann Arbor MI. ERIC identifier: ED347483. Online at: <http://files.eric.ed.gov/fulltext/ED347483.pdf> (1992).

▶ Conn, Tracy L., "The Influence of Higher Education and the Perceived Effects on Women and Their Interpersonal Relationships with Significant Others". Thesis Submitted In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Specialist In Education, In The Graduate School, Eastern Illinois University Charleston, Masters (1996) Theses. Paper: 1892. Online at: <http://thekeep.eiu.edu/theses/1892EasternIllinoisUniversityTheKeepMastersThesesStudentTheses&Publications1-1-1996TheInfluenceofHigherEducationa>.

- Corbin, J. & Strauss, A. Grounded Theory Research: Procedure and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13, (1990).
- Feldman, Saul D. "Impediment or Stimulant? Marital Status and Graduate Education." *The American Journal of Sociology*, 78, (1973).
- Finkel, S.K & S.C. Iswang, Child rearing as an impediment to women Assistant Professors. *The Review of Higher Education*.19, (1996).
- Greenhaus, Jeffrey, & Sharon, Foley, "The intersection of work and Family lives." *Handbook of Career Studies*, Ed. Gunz, H. & Peiperl, and M. Thousand Oaks, CA: Sage, (2007). Online at: <https://www.researchgate.net/publication/292838574>
- Gutek, B. A., Searle, S., & Klepa, L. "Rational versus gender role explanations for work-family conflict". *Journal of Applied Psychology*, 76, (4), (1991).
- Marks, S. M. (1977). Multiple roles and role strain: Some notes on human energy, time and commitment. *American Sociological Review*, 42(6), 921-936.
- Malone, Laurell Coleman. *The Multiple Roles of Women Pursuing Doctoral Studies*, Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of DOCTOR OF EDUCATION in Educational Administration, (1998).
- McQuillan, Deanna Boyd (2005) *Role Conflict Among Married Law Students at an Urban University*, Thesis Submitted to Indiana University, Purdue University at Indianapolis, . , Online at: https://liberalarts.iupui.edu/sociology/uploads/docs/Thesis_Proposal_Qualitative.
- Netemeyer, R. G., J. S., Boles, & R. McMurrin, "Development and validation of work-family conflict and family work conflict scales". *Journal of Applied Psychology*, 81, (1996).
- Olorunfemi, Doreen Yemisi *Family-Work Conflict, Information Use, and Social Competence: A Case Study of Married Postgraduate Students in the Faculty of Education, University of Ibadan, Nigeria*, Library Philosophy and Practice (E-Journal) Paper 235, (2009). Online at: <http://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1237&context=libphilprac>
- Tatman, Anthony W. (2001). *Role Stressors, Interrole Conflict, and well-*

being: The Moderating Influence of Spousal Support and Coping Behaviors among Employed Parents. A Replicative Study, A Research Paper Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Science Degree With a Major in Marriage and Family Therapy, The Graduate College university of Wisconsin-Stout. Online at: <http://www2.uwstout.edu/content/lib/thesis/2001/2001tatmana>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی